

- پنج‌شنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۳**
- سال هفدهم - شماره ۲۹۷۰**

سپهرغرب، گروه اقتصادی – طاهره ترابی‌مهوش؛ در گفت‌وگو با عضو هیئت علمی دانشگاه اهواز مشخص شد؛ امروز بخش تعاون در مقایسه با بخش خصوصی عملکرد ضعیف‌تری را حوزه اقتصاد به جای گذاشته آن را می‌توان منتج از قدرت و تخصص در بخش خصوصی دانست.

دفتر مطالعات اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی با عنوان «آسیب‌شناسی بخش تعاون اقتصاد جمهوری اسلامی ایران» بیان می‌کند که باوجود اینکه ایران با فاصله قابل‌توجهی، بالاترین تعداد تعاونی‌های ثبت‌شده در جهان را دارد؛ اما کیفیت و سهم مولد تعاونی‌ها در اقتصادهای محلی و ملی پایین است و بعضاً اهداف اجتماعی ندارند؛ درواقع یک بخش خصوصی در پوشش تعاونی هستند که صرفاً از مزایای مالیاتی و بیمه‌ای بخش تعاونی استفاده می‌کنند.

بر اساس یافته‌های این گزارش سهم بخش تعاونی‌ها از GNP (تولید ناخالص ملی) مبهم و طبق برخی برآوردها بین ۶ تا هشت درصد است و سهم بخش تعاون از ایجاد فرصت شغلی ۹۰ درصد معادل یک میلیون و ۸۵۰ هزار فرصت شغلی است. همچنین ایران با حدود ۱۰۰ هزار تعاونی ثبت‌شده، نخستین کشور جهان در این رتبه است و آمریکا با حدود ۴۰ هزار تعاونی ثبت‌شده در رتبه دوم قرار دارد.

تأمل برانگیزتر اینکه این گزارش ادامه می‌دهد آمار تعداد تعاونی‌های دانش‌بنیان، تعداد شاغلان و حوزه‌های تخصصی آن‌ها، ضمن اینکه رسمی نیست، متناقض نیز هست این امر به نوبایی و برخی خلاهای قانونی این بخش بازمی‌گردد. آمار کمی و تفکیک‌شده دقیقی از پایداری انواع تعاونی‌ها در دست نیست و صرفاً اطلاعات کلی در سامانه هوشمند وزارت تعاون وجود دارد که از سال ۱۳۹۰ به بعد به‌طور تقریبی سالانه بین ۲۰ تا ۲۱ هزار تعاونی منحل می‌شود و در عین حال تعاونی‌های خدماتی با حدود ۱۸ هزار، تعاونی‌های کشاورزی با تعداد تقریبی ۱۵ هزار و تعاونی‌های صنعتی با ۱۱ هزار و مسکن با ۱۰ هزار، بیشترین تعاونی‌های کشور را تشکیل می‌دهند.

با این تفاسیر به‌دلیل اینکه در اسناد بالادستی برای این بخش از اقتصاد سهم ۲۵ درصدی در نظر گرفته‌شده، بران شدید تا درباره چرایی عدم توفیق این بخش اقتصادی با اقتصادان و عضو هیئت‌علمی دانشگاه اهواز گفت‌وگویی ترتیب دهیم که در ادامه می‌خوانید؛ سید مرتضی افقه با بیان اینکه در علم اقتصاد تعاونی‌ها یک مکانیزم برای جلب مشارکت مردم در فرایند تولید و بهره‌مندی تعداد بیشتری از مزایای تولید به‌شمار می‌روند گفت؛ این مدل اقتصادی راهکاری است که عمدتاً در نظام‌های سوسیالیستی در مقابل نظام سرمایه‌داری که تمرکز ثروت بین افراد بیشتر است به‌منظور

توزیع بهتر درآمدهای اقتصادی صورت می‌گیرد. وی، ادامه داد: در ایران هم بعد از انقلاب به‌دلیل اینکه به هر حال در همان سال‌های ابتدایی فضای سوسیالیسم در تفکرات اقتصادی رهبران اقتصاد از اعم از مذهبی و سوسیالیست‌ها حاکم بود (البته در آن دوره در کل جهان حاکم بود به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه) این مدل اقتصادی مطرح شد و بعدها برای تحقق فضای عدالت‌جویانه اقتصادی در قانون اساسی جای خود را باز کرد.

وی با تأکید بر اینکه در دهه نخست پس از انقلاب بنا به تلاطم‌های ناشی از جنگ شاهد کارکرد مناسبی از فرایند اقتصاد در این بخش نبودیم، اذعان کرد؛ تأسف‌بارتر اینکه بعد از روی کار آمدن آقای رفسنجانی با عنوان دولت سازندگی، تفکر طرفداران بازار آزاد بر فضای اقتصاد حاکم شد، به طوری که به‌نظر بنده بیشترین دلیل عدم توفیق این مدل اقتصادی به همین موضوع یعنی غلبه تفکر طرفداران بازار آزاد و نظام سرمایه‌داری از سال ۱۳۶۸ بر اقتصاد بازمی‌گردد.

این عضو هیئت علمی دانشگاه اهواز با اشاره به اینکه بعضی‌ها معتقدند ایرانی‌ها چگونه که باید، روحیه مشارکت‌جویی ندارند که البته میزان اتکا به این امر، جای تأمل و نیاز به یک پژوهش جامعه‌شناسانه به‌صورت مجزا دارد گفت؛ به هر حال همانطور که پیشتر عرض کردم تفکر غالب در فضای اقتصاد از سال ۶۸ به بعد را طرفداران نظام آزاد هدایت می‌کردند که عمدتاً از طریق

استفاده از افراد صاحبان سرمایه که تعداد آن‌ها زیاد هم نبود، رقم می‌خورد.

افقه با اشاره به اینکه این افراد بیشتر دست به تشکیل شرکت‌هایی می‌زدند که به سمت استفاده از فناوری‌های سرمایه‌بر یا اتومات (نیاز به نیروی کار کمتر با سود بالا) می‌رفت اظهار کرد؛ البته در این بین برای ترویج تعاونی‌ها در اقتصاد تلاش‌های بسیاری شد و حتی برای دوره‌ای شاهد تأسیس وزارت رفاه با هدف رفح نقیصه‌های مرتبط با حوزه تعاونی بودیم.

وی افزود، در این بین دست به تصویب قوانین متعددی زدند و در پی آن امتیازات زیادی را در مسیر تأسیس تعاونی‌ها قرار دادند اما

باوجود همه این تلاش‌ها، بسیاری از تعاونی‌ها تا به امروز موفق نبودند.

این اقتصاددان در پاسخ به این سؤال که چرا شرکت‌های بخش خصوصی غیر تعاونی در حوزه اقتصاد موفق‌تر عمل کرده‌اند؟ تصریح کرد؛ گرچه به طور کلی وضعیت تولید در کشور شرایط مطلوبی ندارد اما در پاسخ این سؤال باید بگویم این گروه از افراد، نفوذ بیشتری در حوزه سیاست‌گذاری‌های بخش اقتصادی دارند زیرا بیشتر مدیران شرکت‌های خصوصی بزرگ در ایران پیشتر در بدنه دولت و حاکمیت حضور داشته و در عین حال به‌دلیل داشتن ثروت، قدرت و ارتباطات خوب با صاحبان قدرت سیاسی، مجلسی‌ها و دولتی‌ها، توانسته‌اند از رانت‌های بیشتری استفاده کنند، حال آنکه این امتیاز برای شرکت‌های تعاونی وجود ندارد.

تعاون مغلوب قدرت و تخصص بخش خصوصی

نشده است.

افقه با بیان اینکه تشکیل تعاونی‌ها خود یکی از برنامه‌های تعریف‌شده در محرومیت‌زدایی بود، تصریح کرد؛ همانطور که پیشتر عنوان شد چون افراد تشکیل‌دهنده این شرکت‌ها افراد بسیار معمولی و فاقد تجربه و توان خاص بودند پس امکان استفاده درست از امتیازات را نداشتند اما در مقابل افراد با تجربه و با تخصص صاحب نفوذ شرکت‌های خصوصی را تأسیس کرده و موفق‌تر عمل کردند.

وی ادامه داد؛ نکته حائز اهمیت اینکه دولت همانگونه که به لحاظ مالی امتیازاتی مثل اختصاص وام‌های ارزان‌قیمت و سایر حمایت‌های مادی را از تعاونی‌ها انجام داد، به لحاظ مدیریتی و توان تولیدی هم باید کمک می‌کرد تا این افراد بتوانند از این امتیازات به‌خوبی بهره ببرند؛ زیرا در شرایطی فعلی، تولید با انبوه موانع اداری، اجرایی و مدیریتی مواجه است که شرکت‌های خصوصی به‌راحتی می‌توانند بعضاً با متوسل شدن به رشوه و موارد این‌چنینی برخی از این موانع را از پیش روی خود بردارند اما تعاونی‌ها همانگونه که در هیئت‌مدیره متأسفانه برای مدیریت تولید تجربه چندانی ندارند در رفح یا غلبه بر این موانع تولید هم توانی نداشتند.

وی با بیان اینکه امروز حوزه تعاونی با سهم ۲۵ درصدی خود در اقتصاد کشور فاصله بسیار دارد، گفت؛ با روند کنونی افق خاصی را برای بهبود شرایط نمی‌توان متصور شد. مع‌الوصف با توجه به آنچه گفته شد، در حالی که با وجود تأکید برنامه ششم توسعه، بر ایفای نقش ۲۵ درصدی تعاون در اقتصاد، ناکامی بزرگی را در تحقق این میزان سهم شاهد بودیم، برنامه هفتم درواقع چنین تأکیدی را هم ندارد و از دولت خواستف ظرف یک سال از لازم‌الاجرا شدن این قانون، نسبت به تعیین سهم بخش تعاون و خصوصی در رشد اقتصادی کشور اقدام کند! هرچند معاون حقوقی و امور مجلس اتاق تعاون ایران، چنین مصوبه‌ای را به معنای پررنگ شدن نقش بخش تعاونی در اقتصاد می‌داند، اما با روند افزایشی تمایل دولت‌ها به بخش خصوصی و البته گزینهِ ویژه‌تری به نام بخش خصوصی و با سرعت یک‌پایه فعالیت به سوی غیرفعال شدن، چه‌بسا اصلاً انگیزه‌ای به ارائه پیشنهاد اثرگذار و هم‌تراز با برنامه ششم و حتی پایین‌تر از آن هم وجود نداشته باشد که در این میان اجتماعی‌ترین بخش اقتصاد بیشترین آسیب را خواهد دید و تأثیرات حاشیه‌ای زیادی نیز خواهد داشت.

بنابراین می‌توان گفت عدم توجه لازم به بخش تعاون در برنامه هفتم پیشرفت، در حالی است که جهش تولید با مشارکت مردمی در قالب تعاون شکل می‌گیرد و انتظار می‌رفت توجه بیشتری در تدوین این برنامه به بخش تعاون عطا شود.

پوست موز آزادسازی واردات غیرضروری زیر پای دولت

کالا‌های متنوع است، اما محدودیت‌های ارزی ناشی از تحریم‌ها، دولت را مجبور به اعمال برخی مقررات کرده است. البته باید به این مسئله اشاره کرد که شفافیت دراین خصوص، اعتماد عمومی را تقویت می‌کند.

این کارشناس اقتصادی با بیان اینکه تصمیم‌گیری‌های متناقض در حوزه واردات، مانند ممنوعیت واردات تلفن‌های همراه هوشمند و آزادسازی واردات خودرو، باعث تضعیف انسجام سیاست‌های اقتصادی می‌شود، اظهار کرد؛ گرچه ممکن است با ممنوع کردن واردات کالاها مخالف باشیم، اما باید قبول کنیم که وقتی پول کم داریم، خرج‌کردن آن برای چیزهایی که به آن‌ها نیازی نداریم، باعث می‌شود مردم عادی بیشتر آسیب ببینند.

شهرودی ادامه داد؛ برای اینکه موضوع بهتر درک شود، می‌توانم از مثال‌های عینی استفاده کنم. مثلاً در حال حاضر به‌جای اینکه ارز کشور صرف واردات خودروهای لوکس شود، می‌توان از آن برای واردات دارو و تجهیزات پزشکی استفاده کرد که برای سلامت مردم ضروری است؛ چرا که به‌هرحال شرایط کشور تحریمی است و ارز خارجی برای واردات کالاها با محدودیت روبرو است.

■ تعارض میان نیازهای حیاتی جامعه و خواسته‌های شخصی

به گزارش تسنیم، بیشتر کارشناسان اقتصادی با هر گزایشی این موضوع را تأیید می‌کنند که تأمین ارز تجهیزات پزشکی و نهاده‌های تولید به‌مراتب اولویت بالاتری نسبت به گوشی‌های آیفون و دیگر کالا‌های غیرضروری دارد. در واقع، مقایسه این دو مورد، مقایسه‌ای بین نیازهای حیاتی جامعه و خواسته‌های شخصی است.

در نهایت، تصمیم‌گیری در مورد تخصیص ارز موردنیاز کالاها، یک تصمیم پیچیده است که باید با درنظرگرفتن تمام جوانب و باتوجه‌به شرایط اقتصادی کشور اتخاذ شود؛ دراین بین بهتر است مسئولان دولت بدون درنظرگرفتن منافع گروهی خاص، باتوجه‌به مصالح بیشتر افراد جامع سیاست‌های تجاری خود را مورد بازنگری قرار دهند.

اقتصادی

خبر

درد بنزین

چگونه درمان می‌شود؟

سپهرغرب، گروهِ اقتصادی؛ به گفته عضو کمیسیون انرژی مجلس تخصیص سهمیه بنزین به هر کارت بانکی بر اساس بعد خانوار اگر تحقق پیدا کند، قاچاق بنزین جمع خواهد شد.

مالک شریعتی ضمن اشاره به مسئله بنزین در ایران اظهار کرد؛ انرژی عموم مردم هم اکنون با برق، گاز و بنزین تامین می‌شود، در برق و گاز دسترسی همه مردم به این حامل‌ها وجود دارد و با سازوکار نظام تعرفه‌گذاری پلکانی تقریباً عدالت در توزیع و قیمت رعایت می‌شود.

وی تأکید کرد؛ در حوزه برق نظام تعرفه‌گذاری پلکانی در قانون مانع‌زدایی قید شده و اجرا می‌شود، در گاز هم فاصله زیادی با اجرای این نظام داریم اما این شیوه تعرفه‌گذاری قابل اجرا است.

عضو کمیسیون انرژی مجلس افزود، در بنزین اینگونه نیست و عموماً مردم به آن دسترسی ندارند، در حال حاضر نیمی از مردم خودرو ندارند و به بنزین دسترسی ندارند. طبق بررسی‌هایی که ما در پژوهشگاه نیرو انجام دادیم، نسبت استفاده پردرآمدترین دهک در ایران به کم‌درآمدترین دهک در استفاده از انرژی ۱۰ است. یعنی پردرآمدترین‌ها ۱۰ برابر کم‌درآمدها یارانه انرژی می‌گیرند.

شریعتی ادامه داد؛ از طرفی سهم هزینه انرژی در سبد پردرآمدترین دهک به کم‌درآمدترین آن‌ها، یک به سه است. به عبارت دیگر اگر نسبت درآمد و سید هزینه را باهن بسنجیم، پردرآمدترین دهک ما نسبت به کم‌درمدترین دهک ۳۰ برابر انتفاع بیشتری از یارانه دارد.

وی تأکید کرد؛ یارانه باید یاری‌دهنده کم‌درآمدها باشد اما در حوزه انرژی سهم پردرآمدها از یارانه بیشتر شده است و عمده این مسئله به‌دلیل تعرفه‌گذاری بنزین است.

سپهرغرب، گروه اقتصادی؛ یک کارشناس اقتصادی با اشاره به مشکل تأخیر در تأمین ارز، گفت؛ این موضوع، یک مشکل جدی و چندوجهی است که نیازمند اقدامات فوری و هماهنگ همه دستگاه‌های حاکمیتی است.

در غیر این صورت، معیشت مردم به‌شدت تحت‌تأثیر قرار خواهد گرفت.

مشکلات ناشی از تأخیر در ثبت سفارش و تخصیص ارز به واحدهای تولیدی، به‌عنوان یکی از چالش‌های اصلی اقتصاد کشور، تأثیرات گسترده‌ای بر بخش‌های مختلف جامعه دارد.

به‌عنوان مثال، با کمبود مواد اولیه و قطعات، واحدهای تولیدی ناگزیر به کاهش تولید یا توقف کامل فعالیت‌های خود می‌شوند. این امر به‌طور مستقیم بر تولید ناخالص داخلی و اشتغال تأثیر منفی می‌گذارد. از طرف دیگر، کاهش عرضه کالاها در بازار به‌دلیل کاهش تولید، منجر به افزایش تقاضا و در نتیجه افزایش قیمت‌ها می‌شود. این امر می‌تواند به تشدید تورم و کاهش قدرت خرید مردم منجر شود.

در روزهای اخیر، رئیس سابق اتاق بازرگانی ایران نیز با اشاره به مشکل ثبت سفارش، گفته است، وضعیت نابسامان ثبت سفارش و تخصیص ارز به واحدهای تولیدی رزگ خطری جدی برای اقتصاد کشور است. تأخیر در تأمین ارز موردنیاز تولیدکنندگان، می‌تواند منجر به کاهش تولید، کمبود کالاها و حتی نایابی برخی اقلام ضروری تا پایان سال شود. اگر تدبیری سریع و مؤثر اندیشیده نشود، بازار و معیشت مردم با بحران‌های بیشتری مواجه خواهد شد.

■ پیشنهاد واهی آزادسازی واردات برخی گروه‌ها به دولت

واردات کالا‌های غیرضروری در شرایطی که کشور با کمبود ارز مواجه است، یک چالش جدی برای دولت چهاردهم محسوب می‌شود. این عمل می‌تواند تبعات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی گسترده‌ای داشته باشد؛ باین وجود برخی گروه‌ها در ماه‌های اخیر به دنبال آزادسازی واردات برخی کالا‌های غیرضروری مانند گوشی‌های لوکس و دیگر محصولات گران‌قیمت هستند که تنها بخش اندکی از مردم توانایی



خریداری آن‌ها دارند.

این در حالی است که اقتصاد ایران در سال‌های اخیر تحت شدیدترین تحریم‌های بین‌المللی بوده و این مسئله فشار زیادی بر بانک مرکزی برای تأمین ارز موردنیاز واردات کالا‌های اساسی داشته است؛ خبر کمبود برخی تجهیزات پزشکی در سال‌های اخیر به‌صورت مداوم منتشر شده و این نگرانی وجود دارد که به‌دلیل عدم هماهنگی در دستگاه‌های سیاست‌گذار، منابع محدود و ارزشمند ارزی به کالاهایی اختصاص یابد که نیاز بیشتر مردم را پوشش نمی‌دهند.

■ چرا آزادسازی واردات کالا‌های لوکس اشتباه است؟

واردات بی‌رویه کالا‌های غیرضروری، به‌سرعت ذخایر ارزی کشور را کاهش می‌دهد و توانایی دولت را در تأمین کالاهای اساسی و مواد اولیه تولید محدود می‌کند. از طرف دیگر، ورود حجم زیادی از کالا‌های وارداتی، می‌تواند به افزایش عرضه کالا در بازار و در نتیجه کاهش قیمت‌ها

منجر شود. اما در بلندمدت، با کاهش تولید داخلی و افزایش تقاضا برای ارز، تورم افزایش می‌یابد.

بیشتر کارشناسان اقتصادی باور دارند، اختصاص ارز به واردات کالا‌های غیرضروری، به‌جای سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولید و